

موانع توسعه در ایران: برخی عوامل تاریخی

(قسمت دوم)

همان سیاق و براساس همان قانونمندی-از سوی دیگر، آن چیزی است که عمدتاً مدیون مساعی مارکس و پیروان اوست. براین اساس کمتر متفکری را می توان یافت که برکنار از گرایش های عقیدتی و سیاسی خود فی المثل عهد عتیق یا دوران طلایی یونان و روم را دورانی برپایه شیوه تولید متکی به کار انبوه عظیم بردگان نداند و یا غلبه روابط فئودالی در اروپای قرون وسطی را انکار کند. ناگفته نمی توان گذشت که مفاهیم به کار رفته، به همان شیوه ای که تمامی نمونه های نظری یا ایده آل ساخته می شوند، از تأکید یک جانبه بر برخی خصایص کلیدی و چشم پوشی از تفاوت های جزئی به دست آمده اند. لذا در دل هر نمونه نظری، طیفی از موارد تجربی یعنی شرایط عینی جوامع مختلف یا ادوار تاریخی گوناگون، را می توان تشخیص داد که البته به معنای بی معنا بودن نمونه نظری نیست. بدیهی است چنانچه نظامی از ویژگی های کلیدی نمونه نظری معینی بی بهره باشد، اطلاق آن نمونه نظری برای مشخص کردن نظام یاد شده نارواست.

معرفی این خصیصه نمونه های نظری و عدم ضرورت تبعیت همه موارد تجربی از نمونه نظری، مدیون آثار ماکس وبر جامعه شناس آلمانی است. محمدعلی (همایون) کاتوزیان نیز این عقیده را در باب مورد خاصی چون فئودالیسم به کار گرفته و چنین آورده است: «فئودالیسم مدلی است مجرد و کلی از جامعه ای با ویژگی های متمایز اجتماعی-اقتصادی، فنی و نهادی. این مدل نیز مانند همه مدل های مجرد، با صرف نظر کردن از بسیاری از تفاوت های موجود در برخی از جوامع کنونی و تاریخی، بر مهمترین مشابهنه های زندگی و کار در آنها تأکید می ورزد» (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۲۳).

با این مقدمه باید پرسید که ویژگی های شیوه تولید گذشته این مرز و بوم در هر دوره تاریخی چه بوده است و کدامیک از این ویژگی ها در شکل گیری موانع کنونی توسعه ایران دخیل بوده اند و این دخالت چگونه قابل شناخت و تشخیص است؟

طرح این سؤال ها در واقع دعوت به گام نهادن در سرزمینی است با انبوه بی راهه ها و مملو از اشتباه ها و تعمیم های نادرست و تحریف های تاریخی که نه همیشه در طلب گدایی کفی نان و یا خریدن به مقام عنوان شده اند. اشکال اساسی در عدم دست یازی به پژوهشی همه جانبه و بررسی شرایط ویژه حاکم بر نقاط مختلف کشور در ادوار گوناگون است. تا به مدد بررسی فراگیر مساله برپایه آثار باقی مانده بتوان به جمع بندی نهایی دست یازید. بدون چنین پژوهشی بحث و جدل موجود در باب واقعیت شیوه تولید حاکم بر ادوار مختلف این سرزمین همچنان گرم لیکن بی نتیجه باقی می ماند. هم از این روی در بخش نخست مقاله از سرناچاری و در دسترس نبودن مفهوم جامع تری، از شیوه تولید آسیایی برای مشخص کردن شیوه تولید حاکم بر ایران استفاده شده است که بدون تردید مفهوم روشنی نیست. لیکن صرفاً برای طرح فرضیه های چندی که خواهند آمد، مناسب تر از سایر مفاهیم به نظر می رسد. نقطه قوت این مفهوم در احتراز از تعمیم تجربه اروپای غربی به عنوان امری

در بخش نخست این مقاله ضمن ارائه نموداری که مسأله مطروحه و ارتباط بین اجزاء بحث را مشخص می ساخت، دو مقوله یکی شیوه تولید خاص این مرز و بوم و دومی استبداد سیاسی، به عنوان عوامل تاریخی دخیل در موانع کنونی توسعه ایران معرفی شدند که در مقاله حاضر مورد تأکید بیشتری قرار می گیرند.

شیوه تولید:

کار آدمیان بر روی طبیعت معمولاً در قالب نظام اجتماعی تاریخی تعیین شده ای به فرجام می رسد و در اغلب موارد فرایندی جمعی است. نظام اجتماعی گرچه زاده عمل آگاه آدمیان است لیکن خارج از اراده این و یا آن دیگبری شکل می گیرد و مختصات آن قابل تجزیه نبوده، کلی وحدت یافته را می سازد که در طول زندگی نسل ها شکل می گیرد و به قوام می رسد و به بایرداری نسبتاً بالایی دست می یابد. عمل آگاه آدمی مقدم بر هر چیز، باز تولید انسان، یعنی ادامه موجودیت او را هدف قرار می دهد و بر مبنای نظام اجتماعی و ارزش های آن، ارضای نیازهای پایه ای را نشانه می رود. آدمی برای مدت ها درگیر چرخه ناقص تولید بوده است. بدین معنا که از سه مرحله تولید کشاورزی یعنی کاشت و داشت و برداشت تنها به سومین مرحله یعنی برداشت مبادرت ورزیده، در طلب روزی از این سوی بدان سوی رفته، نیم سیر روز را در هراس فردا، به شب می رسانده است. خانواده، این قدیمی ترین واحد اجتماعی، بر حیات و ممتاد فرد حاکم بلامعارض به شمار می رفته و کم کم خاندان و عشیره و قبیله و ایل، هریک به نوعی، در ادامه حاکمیت خانواده سر برآورده اند. با کشف کشاورزی، چرخه تولید کامل شده و با دستیابی به مازاد تولید، فعالیت های متنوع اجتماعی امکان پذیر گشته و دستیابی به مازاد، آرام آرام بر تفاوت های جنسی و سنی و توانایی های فردی خاصه جسمانی، پیشی گرفته و مبنای تقسیم بندی پایدار اجتماعی شده و تا به امروز ادامه یافته است.

علوم اجتماعی - اقتصادی خاصه اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی کوشیده اند برپایه آراء فلاسفه تاریخ، نمونه های نظری یا ایده آل چندی را در قالب چند مفهوم برای شناخت و تمایز ادوار تاریخ بشری به کار گیرند، که معروفترین آنها تقسیم تاریخ اروپای غربی به چهار مرحله تحت عنوان مرحله کمون اولیه، مرحله برده داری، مرحله فئودالی و بالاخره دوران سرمایه داری است. برعکس باور عمومی، چنین تقسیم بندی از ابداعات کارل مارکس و فردریک انگلس به حساب نمی آید.

کشف منطق گذار از مرحله ای به مرحله دیگر براساس تناقضات درونی هر نظام، که در دوره تاریخی معینی به قوام رسیده، متلاشی شدن آن نظام و سر بر آوردن نظام جدیدی بر ویرانه های قبلی را سبب می شود از یکسو و افزودن بنجمن مرحله یعنی مرحله کمونیسم که پس از طی دوران گذاری بنام سوسیالیسم صورت می پذیرد - یعنی نشان دادن فانی بودن سرمایه داری بر

جهان شمول، نهفته است. زیرا در عدم قابلیت تعمیم تجربه چهار مرحله‌ای اروپای غربی به تاریخ ایران تردید روا نیست. گرچه اطلاق فتودالیسم به گذشته ایران امری رایج است، لیکن به قول کاتوزیان پذیرش این مفهوم به ناچار پذیرش مرحله ماقبل آن یعنی برده‌داری را نیز الزامی می‌سازد که علی‌رغم ادعای برخی از محققین تاریخ ایران که برده‌داری را شیوه تولید دوران هخامنشیان دانسته‌اند، شواهد قابل اتکایی در جهت تأیید این نظر وجود ندارد. به قول احمد اشرف جامعه شناس ایرانی «با آنکه در غالب ادوار تاریخ ایران برده‌داری خانگی وجود داشته است لیکن هرگز دلایل و شواهد قطعی مبنی بر اینکه برده‌داری تولیدی، همچون یونان و روم اساس و مبنای بهره‌برداری از اراضی باشد، دیده نشده است» (اشرف، ۱۳۴۷: ۲۸).

جالب آنکه اکثر متفکرانی که جامعه ایران را برای دوره‌ای طولانی فتودالی دانسته‌اند نیز با افزودن مفاهیمی، کاربرد مفهوم فتودالیسم برای ایران را مشروط کرده‌اند. مثلاً شرق شناسان شوروی که بر فتودالی بودن بخش عظیمی از تاریخ ایران (از ساسانیان تا قاجاریه) اصرار می‌ورزیده‌اند، به ناچار دوره‌هایی را با مفاهیمی چون فتودالیسم تکامل نیافته (دوران تسلط اعراب و حکومت خلفا) و یا فتودالیسم متمرکز (دوره صفویه) مشخص ساخته‌اند که بر تفاوت فتودالیسم در اروپای غربی و مشرق زمین از جمله ایران دلالت دارد. برخی نیز کوشیده‌اند تا ویژگی‌های فتودالیسم را با مساله تمرکز قدرت و نظام اداری عریض و طویل و توسعه شهرنشینی و رواج روابط بولی در ایران یکجا جمع آورده با مفاهیمی چون فتودالیسم بوروکراتیک مشخص نمایند. (نگاه کنید به سوداگر ۱۳۵۹: ۲۴). گروهی نیز با تبعیت از ماکس وبر که در کنار شیوه تولید، صورتبندی سیاسی جامعه و روابط قدرت را نیز عمده ساخته است، از خیر دوره بندی تاریخ براساس شیوه تولید یکسره گذاشته‌اند و با استعانت از مفاهیمی چون پاتریمونالیسم یعنی «نوعی از سلطه که مشروعیت خود را از سنت‌ها اخذ می‌نماید» (Weber ۱۹۷۵: ۲۹۶) قدرت، پرستیژ اجتماعی و مفاهیمی از این دست را برای تحلیل فراز و فرودهای ملل مشرق زمین در طول تاریخ به کار گرفته‌اند.

با این حساب آشفتگی بازار غربی گرداگرد مساله شیوه تولید ادوار تاریخ ایران با گرفته و رونق یافته است. دلیل این امر را باید در مجموع عواملی جستجو کرد که تنوع اقلیمی سرزمین ایران و لذا سهل و ممتنع شدن تعمیم در حیطه ویژگی‌های جامعه و شیوه تولید و راه و رسم کار و زندگی، تنها یکی از آنهاست. همانگونه که در منابع مختلف نیز آمده است می‌توان با تمرکز بر بخشی از ایران و زیر و رو کردن اسناد و مدارک مربوط به آب و آبیاری و کشاورزی آن خطه به تعمیم‌هایی دست یافت که در مورد روستاهای کمی آن طرف‌تر واقع در اقلیم دیگری، بی‌معنایند. چنانچه گونه‌گونی سرزمین ایران نادیده گرفته شود، زمینه طرح فرضیه‌های نادرست در باب شیوه تولید حاکم بر ایران فراهم می‌آید. عامل دیگر قلت وحشتناک مدارک و اسناد در مقایسه با تاریخی است که ایران از سر گذرانده است و وحشتناک‌تر از آن خام و دست نخورده ماندن بخش اعظم اسناد و مدارک باقی مانده از دستبرد زمان در این آب و خاک است. از این روی، منابع مورد استفاده محققین فوق العاده انتخابی است و معلوم نیست که از نظر روش شناسی معرف همه ادوار تاریخ ایران به حساب آیند تا حداقل مشتکی از خروار تلقی شوند. گرچه محققین به میل و سلیقه خود به ارزیابی پراکنده متون و آثار و اسناد و مدارک تاریخی پرداخته‌اند، هیچ ارزیابی جامعی از صحت و اصالت و جامعیت و بی‌طرفی منابع وجود ندارد.

به هر تقدیر و تا انتخاب واژه‌ای مناسب‌تر که باید از طریق بررسی همه جانبه تاریخ ایران به کف آید و طرح‌های نظری به تجربه سپرده شوند تا محک خورند، شیوه تولید تاریخی ایران را شیوه تولید آسیایی قلمداد کرده، کوشش به عمل خواهد آمد تا با بررسی گذرای منابع موجود به برخی از برداشتهای نادرست در این باب اشاره شود.

اما قبل از پرداختن بدین امر ذکر چند نکته مهم ضروری است. این مسایل با بحث از شیوه تولید تداخل پیدا کرده‌اند و گرچه بدان کاملاً مرتبط و از آن متأثراند لیکن به نظر می‌رسد که هر یک نیازمند بررسی جداگانه و خاص خوداند و باید در سطحی فراتر از سطح بررسی شیوه تولید خاص ایران تحلیل شوند، زیرا برخی از آنها به انباشت در سطح جهانی مربوط‌اند. جنبه‌های

مثبت و منفی موقعیت مکانی - جغرافیایی ایران از مهمترین این مسایل‌اند. چنانچه به نقشه مراکز قدرت، ثروت و جمعیت ادوار مختلف تاریخ بشری نظری از سر بصیرت افکنده شود و قطب‌های مهم اقتصادی مشخص شوند و از طرفی نظریه نظام جهانی که بر پایه نظریه فرنان برودل، مورخ مشهور فرانسوی، و نظریه وابستگی شکل گرفته است، در ذهن مرور شود، به خوبی مشخص می‌گردد که ایران یکی از مراکز مهم نظام جهانی ادوار گذشته بوده است و مهمتر آنکه در اتصال مراکز قدرت و ثروت و در جابجایی کالا در مسیرهای دور نقشی اساسی به عهده داشته است. لذا ایران جدای از شیوه خاص تولیدش در دوران‌های مختلف، در اثر تولید و انباشت در سطح مراکز قدرت و ثروت ادوار گذشته، یعنی نظام جهانی و ضرورت گردش سرمایه از طریق تولید و توزیع و مصرف، جایگاهی مهم داشته است. «...ایران هخامنشی را می‌توان بزرگترین دولتی دانست که تا آن زمان تشکیل شده بود و ۴۶ نوع مردم از نژادهای مختلف یا مذاهب و زبان‌ها و عادات و اخلاق گوناگون در ممالک وسیعه ایران زندگانی می‌کردند. معلوم است که قسمت‌های پرجمعیت و با ثروت ایران آن روزی ایالات غربی آن مانند آسیای صغیر و مستعمرات یونانی و بابل و فنیقیه و مصر بودند زیرا این قسمت‌ها از جهت اراضی حاصلخیز و از حیث تمدن و صنایع و تجارت آبادترین جاهای عالم آن روزی محسوب می‌شوند. ولایات هند نیز از قسمت‌های پرجمعیت و معمور و با ثروت عالم بودند. از اینجا معلوم است که ایران آن روزی مانند بلی این قسمت‌های زرخیز را به هم اتصال می‌داد و کاروانهای تجاری از شرق به غرب یا بالعکس از ایران یا ممالک آن می‌گذشته... ایران اشکانی از جهت موقع خود بین چین و هند از یک طرف و ممالک غربی از طرف دیگر تجارت خوبی داشته... ایران واسطه تجارت بین شرق و غرب بوده و اشکانیان نمی‌خواستند مزایای این موقع و مقام را از دست دهند» (پیرنیا، بی تا ۱۱۷-۱۱۷ و ۱۱۷). بر همین سیاق دکتر مهرداد بهار در کتاب اشکانیان چنین آورده است: «بازرگانی یکی از منابع عمده درآمد در دوره اشکانی بود، ایران از مشرق با هندوستان و چین و از مغرب با روم روابط تجاری داشت. مهمترین کالای بازرگانی چین، ابریشم و پوست بود. هندوستان نیز عطر، فلفل، دارچین، فلزات، رنگ و دارو صادر می‌کرد. مهمترین کالاهای صادراتی رومی مصنوعات فلزی، بلور و بلوررنگی بود که شامل ظروف، بلورهای نقشدار و دانه‌های بلورین برای گلو بند می‌شد. در مجموع روم ناگزیر بود در ازای کالاهای بسیاری که دریافت می‌داشت، سکه زر بپردازد، چون به اندازه واردات خود صادرات نداشت. راه‌های بازرگانی چین به روم یا از ترکستان شرقی، سمرقند، مرو، نساء، شاهرود، ری و همدان می‌گذشت و در شهر مرزی پالمیرا (Palmyra) در سوریه، به روم می‌پیوست. یا از دریای چین و اقیانوس هند می‌گذشت و به هندوستان می‌رسید و در آنجا دریانوردان رومی کالای چینی را به همراهی کالاهای هندی از دریای سرخ به بندر اسکندریه در مدیترانه می‌رساندند، بازرگانان ایرانی پیش از به سر رسیدن قرن دوم قبل از میلاد، روابط وسیعی با چین برقرار ساخته بودند و سفیران ایران با هدیه‌های بسیار به دربار چین می‌رفتند» (بهار، بی تا: ۲۰).

خویش بپروراندند. روم با تعجب جای خود را به نظامی از اساس متفاوت داد و در زهدان نظام روستایی و نیمه بسته و به دور مانده از تجارت در راه‌های دور یعنی فنودالیسم، نطفه‌های سرمایه‌داری بسته شد تا در قرن ده و یازده میلادی با رونق مجدد تجارت زاده شود و تا قرن شانزده دوران طفولیت خود را سپری و سپس بر جهان چنگ اندازد. شاید فریب تاریخ که گفته‌اند همین‌ها باشد. اتفاقاً ماکس وبر به علت اشاره به گرایش‌های خام سرمایه‌داری هم در نظام‌های باتریمونیال و هم در سیستم برده‌داری روم، در آثارش غالباً قیودی چون عقلانی، مدرن، معاصر و نظایر آن را پس از مفهوم سرمایه‌داری به کار برده است تا سرمایه‌داری معاصر مشخص تر گردد (مقاله «علل اجتماعی انحطاط تمدن باستانی» در این زمینه خواندنی است، نگاه کنید به Weber، ۱۹۷۶: ۴۱۱-۳۸۹).

جالب توجه آنکه در بیش از دوهزار سال پیش در شاخه‌های مختلف تولیدی تقسیم کار منطقی‌ای براساس توانایی‌های محیطی و انسانی مناطق گوناگون ایجاد شده بوده است که از تشکل نظام جهانی در عهد عتیق حکایت دارد. داستان ساختن کاخ آپادانا در این رابطه شنیدنی است و در عین حال بخشی از اقلام تجاری شبکه تجاری بین‌المللی ادوار گذشته رانیز نشان می‌دهد.

به موجب سندی که درباره ساختن این کاخ از قول داریوش یافته‌اند، آمده است که «حفر زمین و انباشتن محل آن باریگ درشت و قالب‌گیری آجر، کار بابلیان بود. چوب سدر را از کوه لبنان آورده‌اند. قوم آشور آن را تا بابل حمل کردند و از بابل تا شوش، کاریان (Cariens) و ایونیان متصدی حمل آن بودند. طلائی که به کار رفته از ساردس و بلخ آورده شده و سنگ لاجورد و عقیق را که به کار رفته از خوارزم آورده‌اند. نقره و مس از مصر آورده شده، عاجی که به کار رفته از حبشه و هندورخ حمل شده، ستون‌های سنگی که کار گذاشته شده از شهری بنام ابیردوش (Abirdush) در ایلام آورده شده، هنرمندانی که سنگ را حجاری کرده‌اند، ایونیان و ساردسیان بودند. زرگرانی که طلا را کار کردند. مادی و مصری بودند. کسانی که ترصیع کرده‌اند، از مردم سارگس و مصریان بودند. آنان که آجرهایی مینایی (با تصاویر) ساخته‌اند، بابلی بودند. مردانی که دیوارها را تزئین نموده‌اند، مادی و مصری بودند» (ممتحن، ۱۳۴۹: ۲۱۸).

در دوران پس از اسلام گرچه مرکز ثقل نظام جهانی به بغداد منتقل می‌گردد لیکن به علت رشد بی‌سابقه تجارت بین سرزمین‌های اسلامی، هندوچین و بعدها با بخش‌هایی از اروپا، ترانزیت کالا و طبعاً مشارکت در بازار جهانی از طریق تولید در ایران تقویت می‌گردد. جغرافی‌نویسان دنیای اسلام، متفکرانی چون ابن‌خرداد، به، قدامه بن جعفر، یعقوبی، ابن‌سرابیون، ابن‌رسته، ابن‌فقیه، مسعودی، اصطخری، ابن‌حوقل، مقدسی، یاقوت، قزوینی، ابوالفداء، مستوفی، ابن‌بطوطه، حافظ ابرو و جغرافیا نویسان مشهور ترک ابوالغازی امیرخوارزم که کتاب «تاریخ‌الترک‌والمغول» را نگاشته و حاج خلیفه مؤلف کشف‌الظنون که «جهان‌نما» را نگاشته است، جملگی بر اهمیت راه‌ها، منازل بین راه، مسافتات و تجارت کالا و گذر کاروانیان به تفصیل تأکید کرده‌اند. برخی چون قزوینی که هم عصر یاقوت بوده است، واردات و صادرات و محصولات نواحی مختلف را نیز آورده است. در مقاله‌ای به نام «راه‌های ایران و جغرافیا نویسان دوران اسلامی» که در نشریه راه و بار، جلد اول، دفتر اول و ۱۳۶۲ آمده است، به تفصیل اطلاعات جغرافیا نویسان اسلامی در باب راه‌های ایران و قدمت و اهمیت آنها آمده است. از جمله نکات جالب آنکه راه‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی کاملاً حفظ و مورد استفاده بوده‌اند مثلاً راه بزرگ خراسان از مبداء بغداد به نقل از مقاله یادشده با مسیر بزرگ راه تجاری دوران اشکانی هم خوانی دارد.

البته ذکر این شواهد هرگز نباید به بزرگ‌نمایی وضعیت تجارت و شبکه نظام بازرگانی بین‌المللی دوران ماقبل سرمایه‌داری بیانجامد، طبیعی است که باید با توجه به سطح تکامل و توسعه فنی و نهادی تمدن‌های ماقبل سرمایه‌داری وضعیت تجارت، تولید، توزیع و حمل و نقل و زیرساخت‌های مربوط بدانها را مورد ارزیابی قرار داد.

■ تنوع اقلیمی سرزمین ایران و لذا سهل و ممتنع شدن تعمیم در حیظه ویژگیهای جامعه و شیوه تولید و راه و رسم کار و زندگی، موجب شده است که آشفته بازار غریبی گرداگرد شیوه تولید ادوار تاریخ ایران پا گرفته و رونق یابد.

■ ایران یکی از مراکز مهم نظام جهانی ادوار گذشته بوده و مهمتر آنکه در اتصال مراکز قدرت و ثروت و در جابجایی کالا در مسیرهای دور نقشی اساسی به عهده داشته است.

پذیرش وجود نظام جهانی، تجارت در راه‌های دور و گردش کالا در آن نظام از طریق راه‌های زمینی و دریایی و در یک کلام آشنایی گسترده با سرمایه تجاری و انباشت آن، قهراً بی‌آمدهای درخور توجهی داشته است، امری که به نحوی جهان شمول رخ داده است. از اولین اثرات پذیرش سیستم جهانی در حال مبادله با شبکه‌ای از راه‌ها، دخالت آگاهانه در محیط مصنوع به مراتب فراتر از نظام‌های کشاورزی است و حاصل آن ایجاد صدها منزلگاه برای توقف کاروانیان است که با این عمل نطفه ایجاد مجتمع‌های زیستی متعدد بسته می‌شود. امری که در پرتو سایر عوامل به ویژه تمرکز نظام سیاسی و مساعدت‌های محیطی در زمینه تولید، به پدید آمدن صدها شهر و شهرگونه منجر شده است و بدین طریق یکی از ارکان ساختار جامعه ایران با ویژگی‌های خاص خود شکل گرفته است که متأخرترین رکن جامعه نیز به حساب می‌آید. در این امکان یا فضاها سرمایه انباشت شده از تجارت و کشاورزی در ایجاد ابنیه و آثار معماری ارزشمندی به کار گرفته می‌شود و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی به مدد سرمایه در فضا منعکس می‌گردد. وجود مبادله کالا در مسیرهای دور، صنایع دستی و خانگی را از یکسو و صنایع کارگاهی یا مانوفاکتور را از سوی دیگر فعال می‌سازد که با توجه به نیازهای نظام سیاسی متمرکز یا ارتش حرفه‌ای، بسطی چشم‌گیر به خود می‌بیند. طبعاً صنایع کارگاهی در شهرها به ویژه شهرهای سرراهی جای مناسب خود را می‌یابند. رواج پول و مبادله به واسطه آن، امکان پیشرفت علوم و فنون و ده‌ها پدیده ریز و درشت دیگر، از سایر مسائلی است که باید در بررسی ساختار جامعه ایران و در راه مشخص کردن شیوه تولید این سرزمین مورد توجه قرار گیرد.

نکات بالا همچنین بر برداشت متفکران غربی توسعه و همچنین بردیدگاه برخی از معتقدان به شیوه تولید آسیایی که مشرق‌زمین را غیرهویا تصور کرده‌اند، خط‌بطلان می‌کشد و مشخص می‌سازد که چگونه هویایی و ایستایی با معیارهای غربی و با رجوع به دینامیسم درونی سرمایه‌داری تعریف شده‌اند و لذا با طریقت فرهنگی همراه‌اند. مسافران و مأموران خارجی قرن نوزدهم ایران بر همین اساس از بدی راه‌ها و امکانات سفر گلایه کرده‌اند زیرا به مقایسه آن با غرب پرداخته‌اند که انقلاب صنعتی را هم از سرگذرانده بود (نگاه کنید به آثار سهرافورد جونز، جی، مالکولم و سایر سیاستمداران و سیاحانی که در دوره قاجاریه به ایران آمده و اثری نیز نگاشته‌اند).

تأکید بر اهمیت سرمایه تجاری و بی‌آمدهای آن در واقع راه را برای شناخت شیوه تولید هموار می‌سازد. بدین معنی که جامعه ایران را با ویژگی‌هایی ترسیم می‌دارد که به هیچ روی به فنودالیسم شباهتی ندارد. با بررسی سایر

نگاهی به مسائل و مشکلات شهرهای صنعتی - معدنی

اولین سمینار شهرهای صنعتی - معدنی ایران خرداد ماه گذشته در شهر مس سرچشمه برگزار شد.

در این سمینار که به ابتکار شرکت ملی صنایع مس ایران و به منظور آشنایی با مسائل شهرهای صنعتی - معدنی و دستیابی به روشهای مطلوب برای اداره این شهرها برگزار شد، گروهی از صاحبان شرکت کردند و نتایج مطالعات و دیدگاههای خود در مورد مسائل مذکور را ارائه دادند

اهداف برگزاری سمینار

در اولین روز سمینار، گزارشی تحت عنوان انگیزه و اهداف برگزاری اولین سمینار شهرهای صنعتی - معدنی، از سوی دفتر تحقیقات اجتماعی شهر منتشر شد و در اختیار مدعوین سمینار قرار گرفت.

در این گزارش آمده است: با وجود گذشت چندین دهه از پیدایش شهرهای صنعتی - معدنی در کشورمان، این الگوی سکونت هنوز مورد ملاحظه اندیشمندان قرار نگرفته است. شهرهای صنعتی - معدنی آندسته از مجتمع‌های مسکونی است که متمایز و دور از نقاط شهری و روستایی قرار گرفته و به قصد بهره‌برداری از طبیعت یا یک صنعت ویژه وجود آمده است. نیاز روز افزون بشر به مواد اولیه که نتیجه مستقیم انقلاب صنعتی و ترقی اقتصادی بشر است از موجبات اصلی پیدایش این نوع سکونت گاههاست. سپس در پی رواج صنعت در سایر نقاط دنیا، این الگوی زندگی گسترش یافت. در حقیقت انسان امروز بدلیل نیاز تازه به مواد اولیه و احداث کارخانه‌های عظیم، محیط مألوف شهری و روستایی خود را که طی قرون متمادی مهمترین زیستگاه او بشمار می‌آمده ترک و بدنبال آن، گاه در حاشیه شهرها و اغلب در اعماق بیابانها و کوهها الگوی نوینی از زندگی را ابداع نموده است.

در ایران از زمان پیدایش نفت به این سو، این شهرها پیوسته حضور رو به افزونی در میان الگوی سکونت داشته‌اند و بعد از صنعت نفت، ایجاد کارخانه‌های جدید، خطوط آهن، اکتشاف معادن جدید و با ارزش و بالاخره رواج کشت صنعتی نیز از جمله دلایل روی آوردن به این نوع سکونت گزینی بوده است.

بدین ترتیب علاوه بر شهرهای معدنی چون آبادان و مسجد سلیمان که گام اول در احداث اینگونه شهرها هستند، امروز شاهد گسترش وسیع این شهرها هستیم که بمنظور بهره‌برداری از منابع طبیعی و صنعت بوجود آمده و بخش قابل توجهی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. اما از نظر کیفی نیز معضلات مهمی دارند که شناخت آنها جز به کمک علوم مختلف میسر نیست، علاوه بر آن تاثیر و اهمیت نیروی انسانی بعنوان یک عامل مهم تولید، موضوع قابل انکار نیست.

نیروی انسانی متخصص، بیش از همه یک انسان اجتماعی است و چنین انسانی قطعاً به شدت از محیط زندگی خود تاثیر پذیر است. بنابراین شناخت ابعاد مختلف مسائل این شهرها برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی یک ضرورت است، بطوریکه هرگونه پژوهش در این زمینه موجب تقویت بنیه صنعت کشور می‌گردد، شایسته است تا در احداث و مکان‌یابی این شهرها از روش‌های علمی و مطالعه شده استفاده کرد. باید با برنامه‌ریزی و با کمک متخصصان مسائل شهری نسبت به یک اقدام عملی و مفید تلاش نمود.

اطلاعات کنونی ما نسبت به مسائل این شهرها ناچیز است، تعریف مشخص و معینی ندارند و آمار درستی از تعداد، عملکرد و مسائل این شهرها در دست نیست. نه تنها متخصصان چنین آماري ندارند، که سازمانها و وزارتخانه‌های ذیربط نیز از ارائه چنین آماري عاجزند.

هویت سیاسی و جایگاه این شهرها در مجموعه نظام شهری ایران معین نیست. فی‌الواقع این مجتمع‌های انسانی نه شهرند و نه روستا: استعمال

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی ایران امید است تا تفاوت جامعه ایران با جوامع مبتنی بر نظام فئودالی مشخص‌تر گردد.

نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تداوم زندگی کوچ‌نشینی در مشرق زمین و از جمله ایران است. گرچه کوچ‌نشینی نخستین شکل زندگی جمعی بوده است و تقریباً جهان شمول به نظر می‌رسد، لیکن در نقاطی خاصه اروپای غربی، با کشف کشاورزی و کامل شدن چرخه تولید، اغلب جماعات کوچ‌نشین ساکن شده، از گشاده‌دستی طبیعت برای کشت و زرع استفاده نمودند. لیکن در مشرق زمین به ویژه در خاورمیانه زندگی عشایری و ایلی تا امروز ادامه یافته است و فقط در چند دهه اخیر و به برکت «توسعه برون‌زای» کشور فروپاشی خود را آغاز کرده است. براین اساس تخمین زده می‌شود که از جمعیت ایران در قرن نوزدهم حداقل ۳۰ درصد زندگی عشایری داشته‌اند (Abrahamian, ۱۹۷۴: ۱۶). زندگی کوچ‌نشینی بر پایه خانواده و خانواده گسترده و گروه‌های خویشاوندی که در قالب خاندان - کلان، عشیره و ایلی، تبلور می‌یابد، اجتماعی هم خون را پدید می‌آورد که اجتماع یا جماعت طبیعی خوانده شده است. فرد در دل چنین اجتماعی تنها از آن جهت که عضو اجتماع است، اهمیت دارد و به نام فرد محلی از اعراب ندارد. اجتماع طبیعی با طبیعت پیرامون خود به عنوان کلی وحدت یافته رو به رو می‌شود و سرزمین مورد استفاده را ملک جمع قلمداد می‌کند. تجربه نشان داده است که با کشف کشاورزی و ساکن شدن اجتماعات طبیعی و پیدایش مزرعه‌داری و روستانشینی، سه شکل مالکیت قابل فرض است.

در نخستین شکل که به شیوه آسیایی یا شرقی معروف شده است، اجتماع برتر از فرد هنوز مالک کل زمین‌های قلمرو اجتماع به حساب می‌آید و رئیس خانوار، رئیس کلان، عشیره و قبیله از یکسو و نهاد مذهب از سوی دیگر تنها به عنوان تجسم عینی اجتماع برتر محیط بر فرد، قادر به تخصیص بخشی از مازاد به خوداند.

در دومین شکل که به مالکیت نوع رومی معروف شده است، گرچه اجتماع برتر اهمیت خود را حفظ می‌کند، لیکن افراد به عنوان مالکان برابر حقوق، نگریده می‌شوند و اجتماع، اجتماع اعضای برابر حقوق تلقی می‌شود که در این صورت فرد اهمیتی اساسی می‌یابد.

در شکل سوم که به نوع آلمانی شهرت یافته، افراد به علت عضویت در اجتماع برتر از حق واگذاری زمین بهره‌مند می‌شوند و از آن به صورت فردی استفاده می‌کنند. در واقع نوع سوم حالتی بینابینی داشته، در وسط طیفی قرار می‌گیرد که یک سوی آن نوع آسیایی و سوی دیگر آن نوع رومی مالکیت قرارداد (نگاه کنید به Marx, ۱۹۷۳: ۷۵-۷۰).

در نمونه آسیایی، شرایط اقلیمی خاصه محدودیت منابع آب (عامل طبیعی) و ابتدایی بودن سازمان اجتماعی و پایین بودن دانش فنی (عامل انسانی)، اجتماعات طبیعی ساکن شده را به خود کفایی مجبور می‌سازد و لذا اجتماعی معمولاً کم‌شماره برگرد منبع آب محدودی گردآمده با زمین معمولاً سختی در محیطی ناگشاده دست، به مبارزه برمی‌خیزند. چند رأس دام و صنایع دستی خانگی با توجه به سطح پائین زندگی، اجتماعات ساکن شده را خود بسنده می‌گرداند و از این رهگذر هزاران روستای کوچک خلق می‌شوند و رکن دیگر ساختار جامعه ایران یعنی روستانشینی شکل می‌گیرد که از نظر زمانی پس از کوچ‌نشینی سر بر می‌آورد.

روستاها پراکنده که مالکیت را از آن کل اجتماع می‌دانند در اثر تحولاتی که در بحث از استبداد سیاسی و شکل‌گیری آن مورد اشاره قرار خواهند گرفت، شاه را به عنوان پدر فرضی تمامی خانواده‌ها و لذا مالک کلیه اراضی پذیرفته، نظام آسیایی تصویر کاملی به خود می‌گیرد. نحوه ضبط مازاد و آثار آن، محدود شدن تولید به علت سختی کار و ضبط مازاد، آزاد بودن کشاورزان در مراحل کاشت و داشت و مهمتر از همه زمینه هم‌زیستی اشکال مختلف کسب مازاد و انباشت مباحثی است که در بحث از ویژگی‌های شیوه تولید بدان پرداخته و سپس از استبداد سیاسی سخن به میان خواهد آمد. با پایان گرفتن بحث از استبداد سیاسی و کارکردهای آن، راه جهت طرح موانع کنونی توسعه ایران متأثر از عوامل تاریخی هموار می‌گردد.

ادامه دارد